

# مناسبات اجتماعی اهل بیت علیهم السلام

## از منظر زیارتنامه‌ها

حافظ نجفی\*

### چکیده

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت طاهرینش علیهم السلام، به دلیل مسئولیت خطیر رسالت و امامت، عهده‌دار هدایت و تربیت مردم بودند. ایفای این مسئولیت، مستلزم رابطه عمیق و گسترده ایشان با اقشار و طبقات مختلف جامعه بود. در همین راستا، آنان با اخلاق و رفتار سازنده خویش، مردم را با آموزه‌های اسلام آشنا کردند و از انحرافات و گمراهی‌ها رهایی بخشیدند. در این مقاله، که با روش توصیفی - تحلیلی نگارش یافته است، چگونگی ارتباطات و تعامل اجتماعی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت اطهار علیهم السلام از منظر زیارتنامه‌ها بررسی می‌شود. نتیجه تحقیق، این است که تعامل اجتماعی پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و اهل بیت گرامی ایشان علیهم السلام، بیشترین نقش را در تغییرات بنیادین جامعه آن روز داشته و عامل گسترش قلمرو اسلام و اقبال جهانیان به این دین حنیف شده است. از این رو، آنان بهترین الگو برای همگان، به ویژه ارادتمندان حضرات معصومین علیهم السلام به شمار می‌آیند که برای زیارت آن بزرگواران، توفیق پیدا می‌کنند.

**کلیدواژه‌ها:** پیامبر صلی الله علیه و آله، اهل بیت علیهم السلام، مناسبات اجتماعی، زیارتنامه.

۱. عضو گروه اخلاق و اسرار پژوهشکده حج و زیارت .

بخشی از توصیف قرآن درباره پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، به جایگاه اجتماعی ایشان اختصاص دارد؛ چنان‌که پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فردی از میان خود مردم بوده: «رَسُولاً مِنْهُمْ...»<sup>۱</sup> (بقره: ۱۲۹ و ۱۵۱) و از جانب خداوند به سوی همه مردم فرستاده شده است: «قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعاً...»<sup>۲</sup> (اعراف: ۱۵۸). ایشان با مردم، بسیار مهربان بودند: «فِيمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ...»<sup>۳</sup> (آل عمران: ۱۵۹) و برای رشد و کمال مردم و رفع گرفتاری‌هایشان، بسیار دلسوزی می‌کردند: «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ»<sup>۴</sup> (توبه: ۱۲۸) و در نهایت، آنان را به بهترین دین الهی و کامل‌ترین سبک زندگی فردی و اجتماعی فرا می‌خواندند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ... يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ... يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ...»<sup>۵</sup> (اعراف: ۱۵۷). تاریخ زندگی اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام، نشان می‌دهد آنان نیز از این ویژگی برخوردار بودند؛ آنان که با سادگی و متانت میان مردم می‌زیستند، همه تلاش خود را برای رشد و تعالی مردم به کار بردند و در عرصه‌های تلخ و شیرین زندگی مردم، همراه آنان بودند. این ویژگی اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام را افزون بر کتب تاریخ و سیره، از زیارتنامه‌های معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام نیز می‌توان دریافت. متون زیارتنامه‌ها، که دربردارنده بسیاری از معارف دینی است، فزاینده‌ای دارد که از آنها می‌توان کم و کیف ارتباطات اجتماعی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت گرامی ایشان و در نتیجه، جایگاه اجتماعی

۱. «فرستاده‌ای از خودشان».

۲. «بگو: ای مردم، یقیناً من فرستاده خدا به سوی همه شمایم».

۳. «ای پیامبر، پس به مهر و رحمتی از سوی خدا با آنان نرم‌خو شدی...».

۴. «یقیناً پیامبری از جنس خودتان به سویتان آمد که به رنج و مشقت افتادنتان بر او دشوار است. اشتیاق شدیدی به [هدایت] شما دارد و با مؤمنان رؤوف و مهربان است».

۵. «پیامبری که آنان را به کارهای شایسته فرمان می‌دهد و از اعمال زشت بازمی‌دارد و پاکیزه‌ها را بر آنان حلال می‌نماید و ناپاک‌ها را بر آنان حرام می‌کند و بارهای تکالیف سنگین و زنجیره‌ها [ای جهل، بی‌خبری و بدعت را] که بر دوش عقل و جان آنان است، برمی‌دارد».

آنان را میان مردم به دست آورد. در این مقاله، کوشیده‌ایم تعامل و ارتباطات خاندان عصمت و طهارت علیهم‌السلام با عموم مردم را با عنوان «مناسبات اجتماعی اهل بیت علیهم‌السلام از منظر زیارتنامه‌ها» بررسی کنیم.

### اهل بیت علیهم‌السلام الگوی مردم در همه فضیلت‌ها

از نیازهای انسان برای پیشرفت در هر زمینه‌ای، الگوست. بسیاری از عالمان عرصه تربیت، اسوه‌سازی برای متربی را روش مهم تربیتی دانسته‌اند (باقری، بی‌تا، ص ۱۰۶). این روش تربیتی، برگرفته از آموزه‌های قرآن کریم است که انبیا را برای مردم الگوی شایسته معرفی می‌کند: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ...»؛ «یقیناً برای شما در [روش و رفتار] پیامبر خدا الگوی نیکویی است» (احزاب: ۲۱).

از موضوعات زیارتنامه‌ها نیز همین مقوله است که نشان می‌دهد اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام، الگوی مردم و میزان سنجش اخلاق و رفتار آنان در همه عرصه‌های زندگی هستند. شیعه راستین، کسی است که در همه شئون زندگی، به تمام معنا پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت گرامی‌اش را الگوی خود برگزیند. در فرازی از زیارت امام علی علیه‌السلام عرض می‌کنیم:

وَسَلَامٌ عَلَىٰ مِيزَانِ الْأَعْمَالِ وَ مَقْلَبِ الْأَحْوَالِ وَ سَيْفِ ذِي الْجَلَالِ، وَ سَلَامٌ عَلَىٰ صَالِحِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ وَارِثِ عِلْمِ النَّبِيِّينَ... (ابن مشهدی، ۱۴۱۹ق، ص ۱۸۵).

سلام بر کسی که معیار سنجش عمل‌ها و دگرگون‌کننده حالات و شمشیر خدای صاحب شوکت است. سلام بر کسی که صالح‌ترین اهل ایمان و ارث‌برنده دانش پیامبران است...

از دلایل اهمیت زیارت معصومین علیهم‌السلام، همین است که زائر با حضور در حرم معصومین علیهم‌السلام و خواندن زیارتنامه، با شخصیت و منزلت فردی و اجتماعی آنان آشنا می‌شود و ایشان را الگو قرار می‌دهد. در فرازی از زیارت جامعه، اهل بیت علیهم‌السلام مبدأ ایمان و توجه به خداوند در زندگی مسلمانان دانسته شده‌اند:

مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بِدَأِّ بَيْتِهِمْ وَمَنْ وَحَدَّهُ قَبْلَ عُنُقِكُمْ وَمَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ۲، ص ۶۱۵).

هر کس خدا را بخواهد، از شما شروع می‌کند. هر کس خدا را یکی بداند (معتقد به یگانگی خدا باشد)، از شما می‌پذیرد و هر کس خدا را قصد کند، به شما رو می‌آورد.

زیرا فقط با پیروی از فرهنگ و مکتب اهل بیت علیهم‌السلام می‌توان رضای خدا را به دست آورد و به بهشت رضایت خدا رهسپار شد: «بِكُمْ يُسَلِّكُ إِلَى الرِّضْوَانِ...» (همان، ص ۶۱۶). بر اساس برخی فرازهای زیارتنامه‌ها، خاندان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ستون فقرات ارزش‌ها و نیکی‌ها در جامعه به شمار می‌آیند؛ چنان‌که در زیارت جامعه می‌خوانیم: «... وَعَنَاصِرِ الْأَبْرَارِ وَدَعَائِمِ الْأَخْيَارِ وَسَاسَةِ الْعِبَادِ وَأَرْكَانِ الْبِلَادِ...»؛ «(سلام بر شما...) که اصول نیکان و استوانه‌های خوبان و زمامداران بندگان و پایه و ارکان شهرها هستید» (همان، ص ۶۱۰).

حضرات معصومین علیهم‌السلام، از سویی پایه و اساس هر خیر و شرافت و بزرگواری در عالم، و از سوی دیگر، پایه و تکیه‌گاهی مطمئن برای زندگی نیکان و خوبان عالم‌اند. اگر فردی در معرفت به اهل بیت علیهم‌السلام، به مرحله‌ای برسد که وجود آنان را پایه و اساس ارزش‌ها بداند و هر خیری که به واسطه او در عالم جاری شود، فضل و رحمتی از جانب حضرات معصومین علیهم‌السلام تلقی کند، بالاترین گام معرفتی را برداشته است. اهل بیت علیهم‌السلام، به عنوان حجت‌های خداوند، هدایتگران مردم به راه حق و همه فضیلت‌ها هستند، راه زندگی را بر همگان روشن می‌کنند و مردم را از هر نوع اشتباه و خطا ننگه می‌دارند. در فرازی دیگر از زیارت جامعه می‌گوییم: «وَأَنْتُمْ نُورُ الْأَخْيَارِ وَهُدَاةُ الْأَبْرَارِ وَحُجَجُ الْجَبَّارِ...»؛ «شما اهل بیت علیهم‌السلام روشنایی‌بخش زندگی خوبان و هدایتگران زندگی نیکان و حجت‌های خداوند هستید» (همان، ص ۶۱۵).

به عبارت دیگر، اهل بیت علیهم‌السلام الگوی مردم در همه فضیلت‌ها و واسطه و حلقه وصل خدا و خلق‌اند:

مَنْ وَالَاكُمْ فَقَدْ وَالَى اللَّهُ وَمَنْ عَادَاكُمْ فَقَدْ عَادَى اللَّهُ وَمَنْ أَحْبَبَكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهُ وَ

مَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ وَ مَنْ اعْتَصَمَ بِكُمْ فَقَدْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ أَنْتُمْ الصِّرَاطُ الْأَقْوَمُ وَ  
شُهَدَاءُ دَارِ الْفَنَاءِ... (همان، ص ۶۱۳).

ای اهل بیت، شما مدار و میزان حق و فضیلت‌ها هستید. ولایت شما همان ولایت خداست. هر کس با شما دوستی کند، با خداوند دوستی کرده است و هر کس با شما دشمنی کند، با خدا دشمنی کرده است. هر کس به شما چنگ زند و خود را به شما پیوند دهد، با خدا پیوند یافته است.

در فراز پایانی زیارت جامعه می‌گوییم:

وَ قَرَنَ طَاعَتَكُمْ بِطَاعَتِهِ... إِنْ لَكُمْ مُطِيع... مَنْ أَطَاعَكُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ عَصَاكُمْ  
فَقَدْ عَصَى اللَّهَ... (همان، ص ۶۱۷).

خداوند، طاعت شما را به طاعت او پیوند داد. من پیرو شما هستم...؛ زیرا هر کس از شما اطاعت کند، از خدا اطاعت کرده است و هر کس با شما مخالفت کند، با خداوند مخالفت کرده است.

اما درباره شیوه تعامل و ارتباطات اهل بیت علیهم‌السلام با مردم در متون زیارتنامه‌ها، که از آن با عنوان مناسبات اجتماعی اهل بیت علیهم‌السلام یاد کردیم، نکات آموزنده‌ای وجود دارد که به اندازه گنجایش این مقاله، برخی از آنها را بررسی می‌کنیم:

### ۱. ارتباطات اخلاقی با مردم

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت طاهرینش علیهم‌السلام در دوران عمر شریفشان با رفتار و تعامل اخلاقی و مهربانانه، بذر محبت را در دل مردم می‌کاشتند و دوست و دشمن را به خود جذب می‌کردند. آن بزرگواران با محور قراردادن رفق، مدارا و گذشت، سنگ صبور مردم در همه مشکلات و گرفتاری‌ها بودند. در حدیثی از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آمده است که فرمود: «أَمْرِي رَبِّي بِمُدَارَةِ النَّاسِ كَمَا أَمْرِي بِأَدَاءِ الْفَرَائِضِ»؛ «پروردگارم، مرا به مدارا با مردم دستور داد؛ چنان‌که به ادای واجبات مأمورم ساخت» (کلینی، ۱۳۸۹ق، ج ۲، ص ۱۱۷).

این ویژگی اهل بیت علیهم‌السلام در زیارتنامه‌ها نیز به عنوان نماد و الگوی زندگی مطرح شده است؛ چنان‌که در زیارت جامعه می‌خوانیم:

... وَ سَأَلْنَاكَ الْحَقَّ وَالصَّدْقَ وَالرِّفْقَ (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶۱۶).

شأن شما اهل بیت، این است که با حق و راست‌گویی و درست‌کرداری همراه هستید و با مردم در امور مختلف مدارا می‌کنید.

از دلایل توصیف پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به داشتن خُلق بزرگ: «وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم: ۴)<sup>۱</sup> همان مهرورزی ایشان به مردم، و گذشت از خطاهای آنان است. تاریخ، انواع اذیت و آزار مردم درباره پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را ثبت کرده است. با وجود این، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از خطاهای آنها می‌گذشت و برای آنان دعا می‌کرد: «اللَّهُمَّ اهْدِ قَوْمِي فَإِنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ»؛ «خدایا! قوم مرا هدایت کن. اینها جاهل‌اند و نمی‌دانند» (طبرسی، ۱۴۱۷ق، ص ۸۳). از همین رو، در زیارت جامعه، آن بزرگواران را دارای بالاترین درجه حلم و بردباری، توصیف و به محضرشان عرض می‌کنیم: «وَمُتَّهِمِي الْحِلْمِ»؛ «شما حضرات معصومین، در بالاترین افاق حلم و بردباری جای گرفته‌اید» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶۱۰؛ ابن‌مشهدی، ۱۴۱۹ق، ص ۵۹).

انس بن مالک می‌گوید در محضر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بودم. عبایی، که حاشیه زمختی داشت، بر دوشش بود. عرب بادیه‌نشینان نزد آن حضرت آمد و عبای ایشان را گرفت و محکم کشید؛ طوری که حاشیه آن عبا، گردن حضرت را خراشید. سپس گستاخانه گفت: «ای محمد، از مال خدا که نزد تو هست، بر این دو شترم بار کن تا ببرم؛ زیرا این اموال، نه مال تو است و نه پدرت». پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم اندکی سکوت کرد و سپس فرمود: «مال، مال خداست و من بنده خدا هستم». آنگاه افزود: «ای اعرابی، آیا آسیبی که به من رساندی، به تو برسانم؟» اعرابی گفت: «نه». پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «چرا؟» اعرابی عرض کرد: «زیرا تو بدی را با بدی پاسخ نمی‌دهی؛ بلکه آن را با خوبی دفع می‌کنی». پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با شنیدن سخن او لبخند زد و دستور

۱. «و یقیناً تو بر بلندای سجایای اخلاقی عظیمی قرار داری».

داد تا بر یکی از شتران او جو، و بر دیگری خرما بار کردند و به او دادند (شیخ صدوق، ۱۴۰۰، ص ۳۸۲).

چنین رفتارهایی از خاندان پیامبر ﷺ نیز نقل شده است. پیامبر اکرم ﷺ، امام علی ؑ را حلیم‌ترین مردم خواندند. سیره آن حضرت در رفتار با مروان، سعید بن عاص، عبدالله بن زبیر و دیگر دشمنانش در تاریخ ثبت است (محمدی ری شهری، ۱۴۲۱ق، ج ۹، ص ۱۴۹-۱۵۲). در روایتی آمده است که مردی از شام، با تحریک معاویه، به امام مجتبی ؑ ناسزا گفت. امام ؑ صبر کرد تا سخن او به پایان رسید. آنگاه به سوی او رفت، تبسمی کرد و به او سلام داد و فرمود: «گمان می‌کنم غریب هستی و شاید در اشتباه افتاده‌ای. اگر چیزی نیاز داری، برآورده کنیم. اگر راهنمایی می‌خواهی، راهنمایی‌ات کنیم و اگر گرسنه‌ای، سیرت کنیم. اگر برهنه‌ای، لباس دهیم و اگر نیازمندی، بی‌نیازت کنیم. اگر جا و مکان نداری، مسکنت دهیم و تا بازگشت به وطن، میهمان ما باشی و...». مرد شامی در برابر این خلق عظیم شرمند شد، گریه کرد و گفت: «أَشْهَدُ أَنَّكَ خَلِيفَةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يُجْعَلُ رِسَالَتَهُ»؛ «گواهی می‌دهم که تو جانشین خدا در زمین هستی. خدا بهتر می‌داند که رسالت خویش را کجا قرار دهد». سپس عرضه داشت: «تو و پدرت پیش من، مبعوض‌ترین افراد بودید؛ ولی اکنون محبوب‌ترین افراد نزد هستی» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳، ص ۳۴۴).

عبدالرزاق گوید که کنیزکی، آب روی دستان امام چهارم ؑ می‌ریخت تا حضرت برای نماز، وضو بسازد. ظرف آب از دست آن کنیز روی حضرت افتاد و صورت ایشان را زخمی کرد. امام ؑ به سوی او سر بلند کرد. کنیزک گفت: «خدا می‌فرماید: ﴿وَالْكَافِرِينَ الْغَيْظُ﴾؛ آنها که خشم خود را فرو می‌خورند». حضرت فرمود: «خشم خود را فرو خوردم». کنیزک گفت: «﴿وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ﴾؛ و آنها که از مردم درگذرند». فرمود: «خدا از تو بگذرد». عرض کرد: «﴿وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ (آل عمران: ۱۳۴)؛ خداوند محسنان را دوست دارد». فرمود: «برو که تو آزادی» (شیخ صدوق، ۱۴۰۰ق، ص ۲۰۱).

مهر و عاطفه پیامبر ﷺ به مردم، باعث شده بود که ایشان برای رشد و تعالی مردم، بسیار دلسوزی کنند و از گرفتاری و رنج مردم، غصه‌دار شوند:

﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُفٌ رَّحِيمٌ﴾ (توبه: ۱۲۸).

یقیناً پیامبری از جنس خودتان به سویتان آمد که به رنج و مشقت افتادنتان بر او دشوار است. اشتیاق شدیدی به [هدایت] شما دارد و با مؤمنان، رؤف و مهربان است. در زیارت حضرت رسول ﷺ هم می‌خوانیم: «وَإِنَّكَ قَدْ رَوَّفْتَ بِالْمُؤْمِنِينَ، وَغَلَّظْتَ عَلَى الْكَافِرِينَ...»؛ «(ای پیامبر!) همانا تو به مؤمنان، رأفت (مهربانی) کردی و به کافران، درشتی نشان دادی» (کلینی، ۱۳۸۹ق، ج ۴، ص ۵۵۱؛ ابن طاووس، ۱۳۶۷ش، ج ۲، ص ۶۰۵).

پیامبر ﷺ و اهل بیت طاهرینش علیهم‌السلام، که پدر معنوی مردم شمرده می‌شوند، محبت خود را به شکل‌های گوناگون نثار مردم می‌کردند؛ چنان‌که گاه با هدیه دادن و کمک مالی و گاه با همراه شدن با فقیران و دردمندان، به آنان محبت می‌کردند و با رفع مشکلاتشان، آنان را خرسند می‌ساختند. امام صادق علیه‌السلام فرمود: زمانی مردی خدمت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم رسید و وقتی جامه حضرت را کهنه دید، دوازده درهم به آن حضرت تقدیم کرد. حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به همراه امام علی علیه‌السلام به بازار رفتند تا پیراهنی بخرند. کنار راه، کنیزی را دیدند که نشسته است و گریه می‌کند. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به او فرمود: «تو را چه شده است؟» عرض کرد: «یا رسول الله، خانواده‌ام چهار درهم به من دادند تا چیزی را که مورد نیازشان بود، برایشان بخرم؛ ولی پولم گم شد و دیگر جرئت بازگشت به خانه را ندارم». رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم چهار درهم به کنیز داد و فرمود: «نزد خانواده‌ات برگرد». رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به بازار رفت و پیراهنی به چهار درهم خرید و آن را پوشید و خدای عزوجل را حمد گفت. پس مرد برهنه‌ای را دید که می‌گوید: «هر کس مرا بپوشاند، خدا از جامه‌های بهشتی به او بپوشاند». رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پیراهنی را که خریده بود، از تن درآورد و به آن سائل پوشانید. سپس به بازار بازگشت و با چهار درهم باقی‌مانده، پیراهن دیگری خرید و آن را پوشید و خدای عزوجل را حمد گفت و به سوی خانه‌اش بازگشت. دوباره با همان کنیز روبه‌رو شد که کنار راه نشسته بود و گریه می‌کرد. فرمود: «تو را چه شد که نزد خانواده‌ات نمی‌روی؟» عرض کرد: «یا رسول الله، من دیر کردم.



می ترسم مرا کتک بزنند». رسول خدا ﷺ فرمود: «پیشاپیش من راه برو و مرا به خانوادهات راهنمایی کن». آن حضرت، به همراه کنیز آمدند تا بر در خانه آنان ایستاد. سپس فرمود: «سلام بر شما ای اهل خانه!» پاسخش ندادند. دوباره سلام داد. پاسخش ندادند. بار سوم، سلام کرد. گفتند: «سلام بر تو باد یا رسول الله!» حضرت فرمود: «چرا بار اول و دوم پاسخ مرا نگفتید؟» عرض کردند: «یا رسول الله، سخن شما را شنیدیم؛ ولی دوست داشتیم بیشتر بشنویم». رسول خدا ﷺ فرمود: «این کنیز، دیر کرده است. آزارش نکنید». عرض کردند: «یا رسول الله، به احترام تشریف فرمایی شما آن کنیز را آزاد کردیم». رسول خدا ﷺ فرمود: «حمد خدا را که هیچ دوازده دره‌می، پُربرت‌تر از این دره‌ها ندیده‌ام که خداوند دو برهنه را با آن پوشانید و یک بنده را آزاد کرد» (شیخ صدوق، ۱۳۶۲ش، ج ۲، ص ۴۹۱).

به دلیل همین بخشندگی‌ها و مساعدت‌های مالی، آنان را در زیارت جامعه با عنوان «أُصُولُ الْكَرِّمِ» (پایه‌ها و ریشه‌های بخشش و نیکی) یاد می‌کنیم و در فراز دیگر، می‌گوییم: «وَعَادَتُكُمْ الْإِحْسَانَ وَ سَجِيَّتُكُمْ الْكَرَّمَ...»؛ «ای اهل بیت پیامبر، عادت شما نیکی و طبیعت شما بخشش است» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶۱۶).

تمام مفسران شیعه و سنی (طیب، ۱۳۷۸ش، ج ۱۳، ص ۳۱۸؛ قرطبی، ۱۳۸۴ق، ج ۲۰، ص ۱۳۱-۱۳۳؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۰، ص ۷۴۶-۷۴۷)، شأن نزول آیات ۵ الی ۲۲ سوره انسان را درباره ایثار و از خودگذشتگی حضرت علی و حضرت فاطمه زهرا علیهما السلام می‌دانند که با وجود گرسنگی شدید، نان افطار خود را سه شب متوالی، به مسکین و یتیم و اسیر دادند و خود گرسنه خوابیدند.

تاریخ، نمونه‌های زیادی از این احسان‌های ایثارگونه اهل بیت علیهم السلام را ثبت کرده؛ چنان‌که نقل شده است پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در عروسی حضرت زهرا علیها السلام یک دست پیراهن نو به ایشان داده بود تا در شب عروسی بپوشد. وقتی حضرت فاطمه علیها السلام به خانه زفاف رفت، بر سجاده عبادتش نشسته بود و با خدا مناجات می‌کرد، ناگاه مستمندی به در خانه حضرت فاطمه علیها السلام آمد و با صدای بلند گفت: «از درِ خانه نبوت، یک پیراهن کهنه می‌خواهم».

حضرت فاطمه علیها السلام در آن وقت، دو پیراهن داشت: یکی کهنه و دیگری نو. طبق تقاضای فقیر، خواست پیراهن کهنه را به او بدهد. ناگاه به یاد این آیه افتاد که می‌فرماید: «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا حُبَبْتُمْ...»؛ «هرگز به حقیقت نیکوکاری نمی‌رسید، مگر آنچه را دوست دارید، انفاق کنید» (آل عمران: ۹۲). از این رو، تصمیم گرفت پیراهن نو را به فقیر بدهد و همین کار را هم کرد.

فردای آن شب، وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله پیراهن کهنه را بر تن دخترش دید. پرسید: «چرا پیراهن نو را نپوشیده‌ای؟» حضرت زهرا علیها السلام عرض کرد: «آن را به فقیر دادم». پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «اگر پیراهن نو را برای شوهرت می‌پوشیدی، بهتر و مناسب‌تر بود». حضرت فاطمه علیها السلام عرض کرد: «این روش را از شما آموخته‌ام. در آن هنگام که مادرم خدیجه، همسر شما گردید، همه اموالش را در راه شما به تهیدستان بخشید. کار به مرحله‌ای رسید که فقیری در خانه شما آمد و تقاضای لباس کرد. در خانه، لباسی وجود نداشت. شما پیراهن خود را از تن بیرون آوردید و به او دادید». پیامبر صلی الله علیه و آله تحت تأثیر محبت‌ها و خلوص دخترش زهرا علیها السلام قرار گرفت. اشک از چشمانش سرازیر شد و حضرت فاطمه را به نشانه محبت، به سینه‌اش چسباند. فرشته وحی فرود آمد و گفت: «هان ای پیامبر خدا! پروردگارت سلام می‌رساند و به من فرمان داده است که سلام خدا را بر دخت گران‌قدرت فاطمه ابلاغ کنم و آنگاه این جامه بی‌نظیر را که از دیبای سبز بهشت است، به پاس انفاق خالصانه و سخاوت و بلندنظری‌اش در راه حق، به او تقدیم دارم» (صفوری شافعی، ۱۴۲۸ق، ج ۲، ص ۲۲۶؛ بحرانی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۱، ص ۲۳۰).

## ۲. ایفای مسئولیت درباره مردم

بخش مهمی از زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندان مطهر ایشان، صرف خدمت به مردم شده است. تاریخ، جلوه‌های زیبایی از ایثار و فداکاری پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت اطهار علیهم السلام را در زمینه رسیدگی به امور مردم و رفع گرفتاری‌های آنان ثبت کرده است؛ مانند:

### یک - هدایت مردم به سوی دین

مهم‌ترین رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تبیین معارف قرآن و هدایت مردم به سوی ارزش‌های والای دینی است (نحل: ۶۴). آن حضرت، وظیفه هدایتگری امت را پس از خود به خاندانش

محول کرد و قرآن و اهل بیت علیهم السلام را (در حدیث ثقلین)، به عنوان دو یادگار ارزشمند، چراغ راه مردم قرار داد و فرمود: «اگر به رهنمودهای این دو پایبند باشید، به سعادت خواهید رسید و از گمراهی و سرگردانی نجات خواهید یافت» (سلیم بن قیس، هلالی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۶۴۷).<sup>۱</sup> پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندان مکرم ایشان، به دلیل برخورداری از دانش کافی و کامل، شایستگی و اهلیت اخلاقی، قدرت و توانایی برای هدایتگری، عالی‌ترین و مطمئن‌ترین راهنمایان بشر به سوی رستگاری و خوشبختی هستند. مرحوم کلینی در کتاب شریف کافی، بابی قرار داده است با عنوان: «أَنَّ الْأَئِمَّةَ هُمُ الْعَلَمَاتُ»؛ «امامان نشانه‌ها و علامت‌ها هستند» (کلینی، ۱۳۸۹ق، ج ۱، ص ۲۰۶)؛ به این معنا که اگر مردم بخواهند با عبودیت (به معنای حقیقی) و همچنین عقاید صحیح توحیدی آشنا شوند و آموزه‌های عالی‌دین و ارزش‌های اخلاقی را به طور کامل و متقن فرا بگیرند، می‌باید دست به دامان اهل بیت و امامان بزرگوار علیهم السلام شوند؛ زیرا فقط آنان در تمام فضائل انسانی، اعم از زهد، ورع و تقوا، صدق و عدل، امانت‌داری و... جلوه‌های کامل صفات الهی و اسوه و الگوی بی‌عیب برای همه امت هستند. از این رو، مردم فقط با راهنمایی و هدایت معصومین علیهم السلام می‌توانند به قله معرفت الهی دست پیدا کنند و حقایق را دریابند. در زیارتنامه‌ها به طور مکرر و با عبارات‌های گوناگون، جایگاه ویژه و مسئولیت بالای اهل بیت نبوت علیهم السلام در این زمینه، بیان شده است؛ چنان‌که در زیارت جامعه عرض می‌کنیم: «السَّلَامُ عَلَى الدُّعَاةِ إِلَى اللَّهِ وَالْأَدْلَاءِ عَلَى مَرْضَاةِ اللَّهِ...»؛ «سلام و تحیت ما به آستان مقدس آن بزرگوارانی باد که دعوت کنندگان به سوی خدا و راهنمایان به موجبات رضای خدا هستند» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶۱۰).

همچنین در فراز دیگری از زیارت جامعه می‌گوییم: ای اهل بیت گرامی، خداوند به شما چنین منزلت و جایگاهی داده است: «وَأَعْلَامًا لِعِبَادِهِ وَمَنَارًا فِي بِلَادِهِ وَأَدْلَاءَ عَلَى صِرَاطِهِ...»؛ «شما را پرچم‌های (هدایت) برای بندگانش، و محل‌های نور در آبادی‌هایش، و راهنمایان بر راهش قرار داده است» (همان، ص ۶۱۱).

۱. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَعِترَتِي أَهْلَ بَيْتِي فَمَسَّكُوا بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا...».

از دیدگاه شیعه، تا انسانی در کره خاکی هست، بدون راهنمای الهی نخواهد بود و آنها همان راهنمایان از اهل بیت علیهم السلام اند. این راه (هدایت)، افزون بر آنکه شاهراه و نزدیک‌ترین مسیر است، مزین به پرچم‌های مطمئن و نشانه‌های راستین هدایت (**عَلَّمُ الْمَنْصُوبُ**)، (ابن مشهدی، ۱۴۱۹ق، ص ۵۶۸) نیز هست که با تابش نور و هدایت‌گری‌های مهربانانه خود، جهان را روشن می‌سازند تا بندگان خدا هرگاه سر بلند کنند، پرچم برافراشته حق را ببینند و از سردرگمی و حیرانی نجات یابند.

### دو- تربیت مردم

بنابر تصریح قرآن (جمعه: ۲؛ آل عمران: ۱۶۴)، از اهداف رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله «تربیت» انسان است. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در بیان اهداف رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

از نشانه‌های لطف و کرم خداوند به این امت، که موجب فضیلت این امت شد، این است که پیامبر اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله را به سوی آنان فرستاد. پس پیامبر صلی الله علیه و آله به آنان کتاب و حکمت، سنت و واجبات را آموخت و آنان را تربیت کرد تا راه هدایت پیش گیرند و یکی‌شان کرد تا متفرق و پراکنده نشوند و آنان را تزکیه نمود تا پاک شوند (دیلمی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۳۲۲).

معصومین علیهم السلام، در هر زمان، به عنوان معلم و مربی مردم در امور اخلاقی و تربیتی، نقش خود را ایفا می‌کردند. تاریخ نشان می‌دهد که هر یک از آن بزرگواران در طول حیاتشان، بزرگ‌ترین شخصیت‌های علمی و اخلاقی را تربیت کرده‌اند. در زیارتنامه‌ها به نقش تربیتی اهل بیت علیهم السلام نیز با عبارت‌های مختلف اشاره شده است.

در فرازی از زیارت جامعه، خطاب به ائمه معصومین علیهم السلام عرض می‌کنیم: «كَلَامُكُمْ نُورٌ وَ أَمْرُكُمْ رُشْدٌ وَ وَصِيَّتُكُمْ التَّقْوَى...»؛ «سخن شما، سراسر نور، و امر (شأن و فرمان) شما رشد‌آور، و توصیه شما به تقواست» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶۱۶).

در زیارت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام آمده است:

السَّلَامُ عَلَى الطَّاهِرَةِ الْحَمِيدَةِ، وَالْبَرَّةِ التَّقِيَّةِ الرَّشِيدَةِ، النَّقِيَّةِ مِنَ الْأَرْجَاسِ، الْمُبْرَأَةِ

مِنَ الْاَدْناسِ... مُرَبِّيَةِ الْاَيْتامِ، الْعَارِفَةِ بِالشَّرَائِعِ وَالْاَحْكامِ، وَالْحَلالِ وَالْحَرَامِ...  
(ابن مشهدی، ۱۴۱۹ق، ص ۱۰۴).

سلام بر پاکیزه ستوده، نیکوی رشد یافته و پاکیزه از همه آلودگی‌ها ... تربیت کننده  
یتیمان، دانای به حلال و حرام ...

این بخش از زیارت، برگرفته از روایتی است که مرحوم علی بن ابراهیم قمی در تفسیرش  
ذیل آیه شریفه: «وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ اتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ...»<sup>۱</sup> (طور: ۲۱) آورده  
است. این روایت را ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل کرده که حضرت فرمودند: «إِنَّ أَطْفَالَ شِيعَتِنَا  
مِنَ الْمُؤْمِنِينَ تُرَبِّيهِمْ فَاطِمَةُ علیها السلام؛ «همانا نونهالان شیعیان از میان مؤمنان را فاطمه علیها السلام تربیت می کند»  
(قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۳۳۲). یعنی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام همچنان که در زمان حیاتشان امام  
حسن و امام حسین علیهما السلام و دیگر فرزندانشان را تربیت می کردند، روح مطهرشان در همه جا  
حضور دارد و نقش مادری را برای همه شیعه ایفا می کند.

مهم ترین ویژگی تربیتی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و خاندان مطهر ایشان، این است که حضرات  
معصومین علیهم السلام در هدایت و تربیت مردم، مطیع فرمان الهی هستند و در مقابل نصایحی  
که برای هر نصیحت شونده ای دارند، هیچ تقاضا، مطالبه و انتظاری ندارند؛ بلکه نصیحت  
را فقط برای خدا انجام می دهند. خطاب به آن انوار تابناک می گوئیم: «و نَصَحْتُمْ لَهُ»؛ شما  
معصومین در نصیحت کردن هایتان، خدا را می بینید و به عنوان وظیفه، مردم را نصیحت  
می کنید و از همین رو، هیچ انتظاری از مردم ندارید. وقتی ما به حضرات معصومین علیهم السلام  
عرض می کنیم: «نَصَحْتُمْ لَهُ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶۱۲)؛ یعنی  
شما بزرگواران، ما را نزدیک به خود می بینید و ما را در شمار آشنایان خود می شمارید  
که نصایح خاص را به ما ابلاغ می کنید. این آشنایی، بر مبنای محبتی است که بین ما و  
معصومین علیهم السلام حاکم می باشد.

۱. «کسانی که ایمان آوردند و فرزندانشان به پیروی از آنان ایمان اختیار کردند، فرزندانشان را (در بهشت) به آنان ملحق  
می کنیم».

### سه- پناهگاه مردم در گرفتاری‌ها و مشکلات

پیامبر مکرم ﷺ و اهل بیت و ائمه دین علیهم‌السلام، از آنجاکه جایگاه مردمی داشتند (آل عمران: ۱۶۴)، همواره دغدغه دیگران را داشتند؛ طوری که پناهگاه مردم و حلال مشکلات و برآورنده حاجات گرفتاران جامعه بودند. پیامبر بزرگوار صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به همه پیروانش اعلام کرد که باید دغدغه یکدیگر را داشته باشند و در اسلام بی‌اعتنایی به دردهای مردم امری نارواست:

مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ وَمَنْ سَمِعَ رَجُلًا يَنَادِي يَا لَلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ (کلینی، ۱۳۸۹ق، ج ۲، ص ۱۶۴).

هر کس صبح کند، درحالی که به امور مسلمانان اهمیت نمی‌دهد، از آنان نیست و هر کس بشنود انسان دردمندی فریاد می‌زند ای مسلمانان! (به داد من برسید) و پاسخ او را ندهد، مسلمان نیست!

امام امیرالمؤمنین علیه‌السلام حتی زمانی که مسند خلافت را هم (که حق مسلم او بود) از او غصب کردند، از مردم کناره نگرفت و از جامعه مسلمانان دوری نجست و آنها را به حال خود رها نساخت؛ بلکه میان مردم بود و از طرق گوناگون به یاری مردم می‌شتابید؛ حتی به حاکمان یاری می‌رساند و اشتباهاتشان را برطرف می‌ساخت.

حضرت ولی عصر علیه‌السلام در نامه خود به شیخ مفید فرموده‌اند:

إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَلَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ وَلَا ذَلِكُمْ لِنَزَلِ بِكُمْ اللَّأْوَاءُ وَ اضْطَلَمَكُمْ الْأَعْدَاءُ... (طبرسی، ۱۳۸۶ق، ج ۲، ص ۴۹۷).

ما در رعایت حال شما کوتاهی نمی‌کنیم و یاد شما را از خاطر نبرده‌ایم و اگر جز این بود، از هرسو گرفتاری به شما رو می‌آورد و دشمنانتان شما را از میان می‌بردند... .

آری، پناهنده شدن به کهف حصین ولایت، غم‌ها را از دل می‌زداید و ذلت را به عزت تبدیل می‌کند. در ضمن حدیث الاربعه، از امام امیرالمؤمنین علیه‌السلام نقل شده است که فرموده‌اند:

بِنَا يَفْتَحُ اللَّهُ وَبِنَا يَخْتِمُ اللَّهُ... وَبِنَا يَدْفَعُ اللَّهُ الزَّمَانَ الْكَلْبَ... (ابن شعبه، ۱۴۰۴ق، ص ۱۱۵).

خداوند به وسیله ما [زندگی سعادت‌مندان را] آغاز کرده و هم به وسیله ما ختم می‌کند و به وسیله ما دشواری‌های زمانه را برطرف می‌سازد.

متون زیارت‌نامه‌های معصومین علیهم‌السلام، که بسیاری از معارف الهی را در خود جای داده، به این بُعد از شخصیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت طاهرینش علیهم‌السلام نیز پرداخته است. مثلاً می‌بینیم در چند فراز از زیارت جامعه، به موضوع مشکل‌گشایی اهل بیت علیهم‌السلام پرداخته شده و آنان را برآورنده حوائج مردم و برطرف‌کننده مشکلاتشان قلمداد کرده است:

- «وَ كَهْفِ الْوَرَى...»؛ «ای اهل بیت، شما پناهگاه مردم هستید» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶۱۰).

- «وَ الْبَابِ الْمُبْتَلَى بِهِ النَّاسُ...»؛ «در خانه شما محل رفت‌وآمد مردم است» (همان، ص ۶۱۲).

- «وَ بِكُمْ يُنْفَسُ اَلْهُمُّ وَ يَكْشِفُ الضَّرَّ»؛ «به وسیله شما غم و اندوه برطرف می‌گردد و ناراحتی‌ها خاتمه می‌یابد» (همان، ص ۶۱۵).

- «وَ بِكُمْ اَخْرَجَنَا اللهُ مِنَ الدَّلِّ وَ فَرَّجَ عَنَّا عَمْرَاتِ الْكُرُوبِ وَ اَنْقَذَنَا مِنْ شَقَا جُرْفِ الْهَلَكَاتِ وَ مِنَ النَّارِ...»؛ «به وسیله شما خداوند ما را از ذلت بیرون آورد و از شداید و ناراحتی برای ما گشایش قرار

داد و از هلاکت‌ها و آتش، رهایی‌مان بخشید» (همان، ص ۶۱۶).

#### چهار- نظارت بر جامعه

از مقامات و فضیلت‌های پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت طاهرینش علیهم‌السلام، که در قرآن (بقره: ۱۴۳) و منابع معتبر روایی و زیارت‌نامه‌ها مطرح شده، مقام نظارتی آنان است. آنان با تأیید و عنایت الهی، شاهد اعمال مردم هستند. حضرت امام رضا علیه‌السلام ضمن بیان نشانه‌های امام، می‌فرماید:

إِنَّ الْأِمَامَ مُؤَيَّدٌ بِرُوحِ الْقُدُسِ وَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ عَمُودٌ مِنْ نُورٍ يَرَى فِيهِ أَعْمَالَ الْعِبَادِ (شیخ صدوق، ۱۳۷۸ش، ج ۱، ص ۲۱۴).

امام، مؤید به روح‌القدس است و بین او و خدا ستونی از نور قرار دارد که اعمال بندگان را در آن [ستون نوری] مشاهده می‌کند.

عبدالله بن زبیرات به امام رضا علیه السلام عرض کرد: «برای من و خانوادهم دعایی بفرمایید». امام علیه السلام فرمود: «أَوَلَسْتُ أَفْعَلُ؟ وَاللَّهِ إِنَّ أَعْمَالَكُمْ لَتُعْرَضُ عَلَيَّ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ»؛ «مگر من دعای منم؟ به خدا قسم، اعمال شما در هر شب و روز به من عرضه می شود» (کلینی، ۱۳۸۹ق، ج ۱، ص ۲۱۹).

دو جمله در زیارت جامعه هست که حاکی از این فضیلت مهم اهل بیت علیهم السلام است. خطاب به آن بزرگواران عرض می کنیم: «وَشُهَدَاءُ دَارِ الْفَنَاءِ... وَشُهَدَاءُ عَلَيَّ خَلْقِهِ»؛ «شما اهل بیت علیهم السلام گواهان دار فنا (دنیا) و همچنین گواهان بر خلق خدا هستید» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶۱۱ و ۶۱۳).

آری، خداوند خاندان رسالت را شاهد بر خلق خود قرار داده است و آنان هم اکنون از تمام افکار و نیات و اعمال ما آگاه‌اند و روز قیامت هم به آن شهادت خواهند داد.

در زیارت بیشتر معصومین علیهم السلام می خوانیم: «أَشْهَدُ أَنَّكَ تَرَى مَقَامِي وَتَسْمَعُ كَلَامِي وَتَرُدُّ سَلَامِي»؛ «من شهادت می دهم که تو ای حجت خدا می بینی که من کجا ایستاده‌ام و می شنوی که چه می گویم و سلام مرا پاسخ می دهی» (ابن مشهدی، ۱۴۱۹ق، ص ۲۱۱).

بر این اساس، ما معتقدیم امام عصر علیه السلام هم اکنون ما را می بیند و نه فقط ظاهر، بلکه باطن ما را هم مشاهده می کند و چیزی مانع دیدن او نیست. بنابراین، معصومین علیهم السلام شهادی دارالفا هستند و در این دنیا شاهد بر تمام افکار و اعمال آدمیان‌اند و به همین دلیل، شفاعی دارالبقا نیز خواهند بود و در روز جزا، بر اساس شهود و حضوری که در دنیا داشته‌اند، به ادای شهادت و شفاعت خواهند پرداخت.

امام صادق علیه السلام ذیل آیه سوم سوره مبارکه بروج در تفسیر عبارت «وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ» می فرماید: «النَّبِيُّ وَآمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ»؛ «شاهد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت امیرالمومنین علیه السلام هستند» (کلینی، ۱۳۸۹ق، ج ۱، ص ۴۲۵).

### ۳. رفعت شأن و عظمت مقام اهل بیت علیهم السلام

آنچه تاکنون مطرح شد، برخی مناسبات اجتماعی اهل بیت اطهار علیهم السلام است که باعث شده آنان از رفعت و منزلت والایی نزد مردم برخوردار باشند. از واقعیت‌های زندگی



اهل بیت علیهم السلام، این است که به رغم تبلیغات گمراه‌کننده دشمنان، که در همه دوران‌ها با تمام توان و با به‌کارگیری همه امکانات و نیروهای انسانی و مادی علیه اهل بیت علیهم السلام انجام می‌دادند، آنان در دل‌های مردم جا داشتند.

سیره‌نویسان، نمونه‌های زیادی از محبوبیت حضرات معصومین علیهم السلام را نقل کرده‌اند که جز در زندگی آن نورهای پاک، در زندگی کسی دیده نمی‌شود:

- زُهری و علی بن زید از سعید بن مسیب نقل کردند که وی گفت:

علی بن الحسین سیدالعابدین علیه السلام، وقتی می‌خواست مکه برود، تا حرکت نمی‌کرد، قاریان قرآن نیز به سمت مکه حرکت نمی‌کردند. هنگامی هم که می‌خواست از مکه بیرون بیاید، مردم به احترام آن حضرت از مکه بیرون نمی‌رفتند. در یکی از سفرها وقتی امام علی بن الحسین علیه السلام خارج شد، من نیز از مکه بیرون آمدم. امام در بعضی منازل فرود آمدند. من نیز آنجا توقف کردم. دیدم آن حضرت دو رکعت نماز خواند و در سجده‌اش تسبیح گفت. ناگهان شنیدیم که همه درختان و سنگ و کلوخ زمین با ایشان هم‌صدا شده، تسبیح می‌گویند... (کشی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳۳۴-۳۳۵).

- عروۀ بن مسعود ثقفی (همان کسی که از سوی قریش در صلح حدیبیه به عنوان پیام‌رسان نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد) وقتی از نزد پیامبر صلی الله علیه و آله برگشت، به اصحابش گزارش عجیبی داد. وی گفت: ای قوم، بدانید که من نزد ملوک و پادشاهان زیادی رفته‌ام مانند قیصر و کسری و نجاشی و...؛ اما هیچ پادشاهی را ندیدم که اصحاب و یارانش، آن‌گونه که یاران محمد صلی الله علیه و آله وی را تکریم و تعظیم می‌کنند، تکریم کنند و بزرگ بدارند. اصحاب محمد صلی الله علیه و آله را دیدم که وقتی وی دستوری می‌داد، برای انجام آن از یکدیگر سبقت می‌گرفتند. هرگاه پیامبر صلی الله علیه و آله وضو می‌گرفت، نزدیک بود مسلمانان (بر سر به‌دست آوردن آب وضوی آن حضرت)، با هم بجنگند (اذا أمرهم ابتدروا أمره و اذا توضأ كانوا يقتتلون علی وضوئه...) (قمی، ۱۴۱۴ق، ج ۶، ص ۲۲۶).

– محمد طاهر مکی می‌گوید: «از ام ثابت روایت شده است که گفت: رسول خدا ﷺ بر من وارد شد و از دهانه مشکی که آویزان بود، ایستاده آب نوشید و من برخاستم و دهانه مشک را (برای تبرک جستن) بریدم». سپس می‌افزاید:

این حدیث را ترمذی روایت کرده، می‌گوید: حدیث، صحیح و حسن است و شارح این حدیث در کتاب ریاض الصالحین می‌گوید: ام ثابت، دهانه مشک را برید تا جای دهان پیامبر را نگهداری کند و به آن تبرک جوید و همچنین صحابه می‌کوشیدند تا از جایی که رسول خدا ﷺ از آن آب نوشیده بود، آب بنوشند (همان، ص ۶۹۱).

این محبوبیت، به دور از همه ظاهرسازی‌ها و رفتارهای تصنعی بود؛ همان حقیقتی که در برخی زیارتنامه‌ها نیز به آن پرداخته شده است. در فرازی از زیارت جامعه، آمیختگی زندگی پیامبر ﷺ و خاندان مطهر ایشان با زندگی همه مردم، چنین بیان شده است:

بِأَيِّ أَنْتُمْ وَ أُمِّي وَ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي ذَكَرْتُمْ فِي الذَّاكِرِينَ وَ أَسْمَاءُكُمْ فِي الْأَسْمَاءِ وَ  
أَجْسَادُكُمْ فِي الْأَجْسَادِ وَ أَرْوَاحُكُمْ فِي الْأَرْوَاحِ وَ أَنْفُسُكُمْ فِي النَّفُوسِ وَ آثَارُكُمْ فِي الْآثَارِ  
وَ قُبُورُكُمْ فِي الْقُبُورِ فَمَا أَحَلَى أَسْمَاءُكُمْ وَ أَكْرَمَ أَنْفُسُكُمْ وَ أَعْظَمَ شَأْنَكُمْ وَ أَجَلَّ حَطَرَكُمْ  
وَ أَوْفَى عَهْدَكُمْ (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶۱۶).

پدرم و مادرم و جانم و خانواده‌ام و مالم به فدایتان! یادتان در یادکنندگان است (گویندگان از شما نیز چون دیگران سخن به میان می‌آورند) و نامتان را میان نام‌های دیگر بر زبان می‌رانند و پیکرهای شما میان پیکرها و ارواحتان میان ارواح، و جان‌های شما میان جان‌های مردم است و آثارتان میان آثار، و قبرهایتان میان دیگر قبور است؛ ولی چه شیرین و دلپذیر است نام‌های شما و چه بارزش است جان‌های شما و چه بزرگ است شأن و منزلتان و چه باجلالت است شرف و منزلتان و چه توأم با وفاست عهدتان!

درک این جایگاه و منزلت رفیع اهل بیت (علیهم‌السلام)، منحصر به مسلمانان نبود؛ بلکه هر جا

نور اهل بیت علیهم السلام می‌تایید، دل‌ها را منقلب می‌کرد؛ هر چند غیر مسلمان باشد. در روایتی از امام حسین علیه السلام آمده است که فرمود:

روزی غلامی را دیدم که با سگی غذا می‌خورد. به وی گفتم: «چرا این عمل را انجام می‌دهی؟» گفت: «یا بن رسول‌الله! من غم زده‌ام. می‌خواهم این سگ را شاد کنم تا شاید من هم مسرور شوم. غم و اندوه من این است که مالک من، شخصی یهودی است و من در نظر دارم که از وی جدا شوم.» امام حسین علیه السلام مبلغ دویست اشرفی نزد مالک آن غلام برد. یهودی وقتی امام را شناخت، گفت: «این غلام من، فدای قدم تو باد! این باغ و بستان را نیز به آن غلام بخشیدم و این مبلغ پول را هم که دادی، به شما تقدیم نمودم.» امام حسین علیه السلام فرمود: «من نیز این پول را به تو بخشیدم.» یهودی گفت: «من هم قبول کردم و این پول را به آن غلام بخشیدم.» امام حسین علیه السلام فرمود: «من نیز آن غلام را آزاد کردم و این پول و باغ را به او بخشیدم.» زن آن یهودی گفت: «من، الساعه اسلام اختیار کردم و مهریه‌ام را به شوهرم بخشیدم.» شوهرش گفت: «من نیز مسلمان شدم و این خانه‌ام را به زنت بخشیدم» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۴، ص ۱۹۴).

خاندان عصمت و طهارت، همان‌طور که با مردم فروتن و مهربان بودند، در برابر کافران و مشرکان و همچنین حاکمان و سلاطین، قاطع و باصلابت جلوه می‌کردند: ﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾: «محمد، فرستاده خداست و کسانی که با وی هستند، بر کافران سرسخت و میان خودشان مهربان‌اند» (فتح: ۲۹).

این صلابت، که همراه با معنویت بود، باعث شد حضرات معصومین علیهم السلام از جایگاه رفیع و منزلت والایی نزد خلفا و حاکمان جور برخوردار باشند. در فرازی از زیارت جامعه می‌خوانیم:

طَاطَا كُلُّ شَرِيفٍ لِسِرْفِكُمْ وَ بَحَعَ كُلُّ مُتَكَبِّرٍ لَطَاعَتِكُمْ وَ خَضَعَ كُلُّ جَبَّارٍ لِفَضْلِكُمْ وَ ذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لَكُمْ (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶۱۶).

هر گردن‌فرازی، در مقابل شرف شما گردن نهاده و هر متکبر خودبزرگ‌بینی،

خود را مطیع شما دیده و هر جباری در پیشگاه شما سر فرود آورده و هر چیزی رام شما شده است.

نقل شده است که وقتی ضرار بن ضمیره نهشلی بر معاویه بن ابی سفیان وارد شد، معاویه به او گفت: «علی [علیه السلام] را برایم وصف کن». وی گفت: «مرا معاف می‌کنی؟ معاویه گفت: «نه». ضرار گفت: «خدا علی [علیه السلام] را رحمت کند میان ما چون یکی از ما بود و وقتی نزد او می‌رفتیم، ما را به خود نزدیک می‌کرد و چون از او پرسشی می‌کردیم، به ما جواب می‌داد و چون دیدنش می‌رفتیم، ما را به خود نزدیک می‌ساخت. در به روی ما نمی‌بست و دربانی بر ما نمی‌گمارد و به خدا، با همه اینکه ما را به خود نزدیک می‌کرد و به ما نزدیک بود، از هیبتش یارای سخن گفتن با او نداشتیم و از بزرگواری اش با او آغاز سخن نمی‌کردیم». معاویه گفت: «او را بیشتر از این توصیف کن». ضرار گفت: «رحم الله علیا (رحمت خدا بر علی)! به خدا او بسیار بیدار بود و کم خواب. همه وقت شب و هر ساعت روز، قرآن می‌خواند و جان در راه خدا می‌داد و اشک به آستان او می‌ریخت. پرده برای او افکنده نمی‌شد و کیسه‌های زر از ما ذخیره نمی‌کرد. برای دوستان خود (بیش از دیگران) نرمش نداشت و بر جفاکاران بدخویی نمی‌کرد. وقتی شب، پرده ظلمت افکنده و اختران سرازیر افق شدند، او را می‌دید که در محراب عبادت در محضر خدا ایستاده و دست به ریش خود گرفته، چون مارگزیده بر خود می‌پیچید و چون غم‌دیده می‌گریست و می‌گفت: ای دنیا خود را به رخ من می‌کشی و مرا مشتاق خود می‌سازی؟ هیهات هیهات، من نیازی به تو ندارم و تو را سه طلاق دادم که رجوعی ندارد. سپس می‌فرمود: آه آه، از دوری راه و کمی توشه و سختی راه».

معاویه وقتی این مطالب را شنید، گریست و گفت: «ای ضرار تو را بس است. به خدا علی چنین بود. خدا رحمت کند ابوالحسن را» (شیخ صدوق، ۱۴۰۰ق، ص ۶۲۵).

برای هر یک از ائمه علیهم السلام در رفتار با حاکمان ستمگر زمانشان، چنین رخدادهایی نقل شده است.

امام هادی علیه السلام با قرائت اشعار عرفانی (دیلمی، ۱۴۱۲ق، ج ۱ ص ۲۹)،<sup>۱</sup> مجلس شراب متوکل را با همه حاضرانش تحت تأثیر قرار داد؛ تا جایی که حتی شخص متوکل از کثرت گریه منقلب شد و دستور داد که بساط شراب را برچینند. سپس دستور داد که امام علیه السلام را با احترام به خانه‌اش بازگردانند.

درباره تأثیر شخصیت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام نیز نقل شده است که احمد بن عبیدالله بن خاقان، که وزیر اول خلیفه عباسی بود و دشمنی زیادی با آل علی علیهم السلام داشت، روزی در حضور او از بنی‌هاشم و علویین سخن به میان آمد و حضار مجلس، به بدگویی از آل علی زبان گشودند. این مرد در آن موقع، فرماندار قم بود و گفت که من یک نفر از

۱ .

بَأْتُوا عَلِيَّ قُلُلِ الْأَجْبَالِ تَحْرُسُهُمْ  
 وَ اسْتَنْزَلُوا بَعْدَ عَزٍّ مِنْ مَعَالِهِمْ  
 نَادَاهُمْ صَارِحٌ مِنْ بَعْدِ مَا دُفِنُوا  
 أَيْنَ الْوُجُوهُ السِّيِّئَةِ كَانَتْ مُحَجَّبَةً  
 فَأَفْصَحَ الْقَبْرِ عَنْهُمْ جِئِنَ سَاءَ لَهُمْ  
 قَدْ طَالَ مَا أَكَلُوا دَهْرًا وَ مَا شَرِبُوا  
 غَلَبَ الرَّجَالَ فَلَمْ يَنْفَعَهُمُ الْقُلُلُ  
 فَأَسْكِنُوا حُفْرًا يَا بَشَّ مَا نَزَلُوا  
 أَيْنَ الْأَسْرَةِ وَ النَّيْحَانِ وَ الْحُلُلُ  
 مِنْ دُونِهَا تُضْرِبُ الْأَمْتَارُ وَ الْكِلَلُ  
 نِلَكَ الْوُجُوهُ عَلَيْهَا السُّدُودُ تَنْتَقِلُ  
 فَأَصْبَحُوا بَعْدَ طَوْلِ الْأَكْلِ قَدْ أَكَلُوا

بر بلندای کوه‌ها شب را به سحر آوردند؛ در حالی که مردان چیره و نیرومندی از آنان پاس می‌دادند؛ ولی آن قله کوه‌ها برایشان سودی نبخشید.

از پناهگاه‌هایشان پایین کشیده شدند و زیر خاک سیاه قرار گرفتند و چه بد جایی را برای رحل اقامت برگزیدند. پس از آنکه در قبرهای خود قرار گرفتند، فریادزنی بر آنها بانگ زد: کجا رفت آن بازوبندها، کو آن تاج‌ها، و کجاست آن زر و زیورها.

کجا رفت آن چهره‌ها که با ناز و نعمت پرورش یافته و مقابل آنها پرده‌های گران‌بهای نازک آویخته بودند. هنگامی که این سؤال از آنها می‌شود، قبرهایشان از طرف آنها جواب می‌دهد: آن چهره‌ها هم اکنون محل آمد و شد کرم‌های لاشخوار شده‌اند.

به درازا کشید زمانی که آنان (در دنیا) خوردند و نوشیدند، اما پس از این زمان طولانی خوردن، اکنون (در قبر) خورده شدند.

آل علی را می‌شناسم که از او عظیم‌تر و بزرگوارتر در تمام مدت عمرم ندیدم و او ابن‌الرّضا حسن بن علی العسکری علیه السلام است. من روزی کنار پدرم در مجلس رسمی نشسته بودم. دربان آمد و گفت: ابن‌الرّضا قصد ورود دارند. من این کلمه را نشنیده بودم. پدرم تا شنید، حالش منقلب شد و گفت: «با احترام واردش کنید». من خیال کردم او شخصی از بزرگان و اشراف دربار خلافت است. بعد دیدم جوانی وارد شد که آثار جلالت و عظمت و هیبت از سیمایش پیداست و قامتی رشید و اندامی موزون و صورتی زیبا دارد. با کمال وقار و متانت وارد شد و پدرم به محض اینکه چشمش به او افتاد، از جا برخاست؛ درحالی‌که پدرم برای کسی جز خلیفه این‌چنین احترام قائل نمی‌شد. به استقبال رفت و بغل باز کرد و او را در آغوش گرفت و پیشانی‌اش را بوسید و او را در جای خودش نشانید و خودش بسیار مؤدّب در مقابلش نشست و گفت: «بأی أنت و أمی؟» «پدر و مادرم فدای شما». من بعد از نماز عشا به حضور پدرم رفتم و نشستیم. پدرم گفت: «کاری داری؟» گفتم: «می‌خواستم بپرسم این آقایی که امروز نزد شما آمد و آنقدر احترامش کردید، کیست؟» پدرم بعد از تأملی گفت: «فرزندم، او ابن‌الرّضاست؛ امام رافضی‌ها. اگر مطلب راست را بخواهی بدانی، این است که حقّ خلافت رسول خدا صلی الله علیه و آله امروز از آن اوست. تنها کسی که شایسته حکومت بر امت اسلامی است، این مرد است. دیگران از راه دیگری وارد شده‌اند». (کلینی، ۱۳۸۹ق، ج ۱، ص ۵۰۴).

### نتیجه‌گیری

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به عنوان خاتم پیامبران، از سوی خداوند برای هدایت عموم مردم مبعوث شد و در طول عمر شریفشان، به ویژه در دوران نبوت، با اخلاق و رفتار شایسته و ارتباطات صمیمی با مردم، عالی‌ترین خدمت را به مردم ارائه داد. بی‌شک، مسلمانان در پرتو هدایت‌ها و خدمات رسول خدا صلی الله علیه و آله از جهالت و ضلالت و عقب‌افتادگی‌های یافتند و به مردمی متمدن و اهل دانش و کمالات تبدیل شدند. انوار تابناک رسالت، بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله توسط اوصیای ایشان یعنی ائمه اطهار علیهم السلام، جهان را روشن نگه داشته است. یگانه راه مصونیت بشر از انحرافات و لغزش‌های گوناگون و همچنین عامل محرک بشر به سوی قله کمالات، تداوم

راه رسالت پیامبر ﷺ و امامت اهل بیت ائمه است. در این مقاله، روشن شد که پیامبر عالی قدر اسلام ﷺ و اهل بیت گرامی ایشان ائمه با برقراری روابط صمیمی و اخلاقی با همه اقشار جامعه، توانستند انسان‌های بزرگی تربیت کنند و با کمترین امکانات تبلیغی، تعالیم انسان‌ساز اسلام را به اقصا نقاط جهان گسترش دهند و جان‌های تشنه مردم را سیراب سازند.

## منابع

\* قرآن کریم، ترجمه آیه الله مکارم.

۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق/۱۳۶۳ش). تحف العقول عن آل الرسول، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
۲. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۶۷ش). إقبال الأعمال، تهران، دار الکتب الإسلامية.
۳. ابن عربی، محمد بن علی (۱۴۲۲ق). تفسیر ابن عربی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۴. ابن مشهدی، محمد بن جعفر (۱۴۱۹ق). المزار الكبير، تحقیق جواد القیومی الأصفهانی، نشر قیوم، چاپ اول.
۵. باقری، خسرو (بی تا). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، انتشارات مدرسه، چاپ دوم.
۶. بحرانی، عبدالله بن نورالله (۱۴۰۷ق). عوالم العلوم والمعارف والأحوال من الآيات والأخبار و الاقوال، قم، مدرسة الإمام المهدي.
۷. دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۱۲ق). ارشاد القلوب الى الصواب، قم المشرّفة، منشورات الشریف الرضی.
۸. سلیم بن قیس، هلالی (۱۴۰۵ق). کتاب سلیم بن قیس الهلالی، تحقیق و تصحیح محمد انصاری زنجانی خوئینی، قم، الهادی.
۹. شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۳۶۲ش). الخصال، تحقیق و تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
۱۰. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۸ش). عیون الأخبار الرضاویة، تحقیق مهدی الحسینی اللاجوردی، طهران، منشورات جهان.
۱۱. \_\_\_\_\_ (۱۴۰۰ق). الامالی، تحقیق و نشر، مؤسسة البعثة، الطبعة الاولى.
۱۲. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۳ق). من لا يحضره الفقيه، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
۱۳. صفوری، عبدالرحمن بن عبدالسلام (۱۳۲۸ق). نزهة المجالس و منتخب النفایس، طبع القاهرة.



١٤. طبرسى، احمد بن على (١٣٨٦ق). الاحتجاج على اهل اللجاج، تحقيق محمدباقر الخراسان، نجف، مطبعة النعمان، چاپ اول.
١٥. طبرسى، فضل بن حسن (١٤١٧ق). إعلام الورى بأعلام الهدى، قم، طبع الحديثه، مؤسسه آل البيت عليه السلام.
١٦. طيب، سيد عبدالحسين (١٣٧٨ش). اطيب البيان فى تفسير القرآن، تهران، انتشارات اسلام.
١٧. فخر رازى، محمد بن عمر (١٤٢٠ق). مفاتيح الغيب، بيروت، دار احياء التراث العربى.
١٨. قرطبى، محمد بن احمد (١٣٨٤ق / ١٩٦٤م). الجامع لأحكام القرآن، تحقيق أحمد البردونى وإبراهيم أطفيش، قاهره، دار الكتب المصرية، چاپ دوم.
١٩. قمى، عباس (١٤١٤ق). سفينة البحار و مدينة الحكم و الآثار، قم، نشر اسوه، چاپ اول.
٢٠. قمى، على بن ابراهيم (١٤٠٤ق). تفسير القمى، تحقيق طيب موسوى جزائرى، قم، دار الكتاب، چاپ سوم.
٢١. كشى، محمد بن عمر (١٤٠٤ق)، رجال الكشى، تحقيق مهدى الرجائى، قم، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث.
٢٢. كلينى، محمد بن يعقوب (١٣٨٩ق). الكافى، تحقيق على اكبر غفارى، طهران، دار الكتب الإسلاميه، الطبعة الثانية.
٢٣. مجلسى، محمدباقر بن محمد تقى (١٤٠٣ق). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بيروت، دار احياء التراث العربى، چاپ دوم.
٢٤. محمدى رى شهرى، محمد (١٤٢١ق). موسوعة الامام على بن ابيطالب، قم، دار الحديث.